

## ای مادرم ایران زمین



پوریا سوری  
شاعر و ترانه‌سرا

از ایران چه می‌دانیم؟ اگر بخواهیم وصفش کنیم، اگر بخواهیم با زیباترین کلماتی که سراغ داریم از او بگوییم، یا اگر بخواهیم از ریخ‌هایش گزیده و شمرده و آهنگین چند خطی بنویسیم، از این تاریخ چند هزار ساله کدام نقاط را برجسته می‌کنیم که هم جان کلام را گفته باشیم و هم متنی «ملی» نوشته باشیم که همه بر آن اتفاق نظر داشته باشند؟

کنسرت نمایش «سی» زمین‌ساز چالشی بود برای من که از ایران بنویسم. «سی» عصاره «سی» مرغ و فردو «سی» و سال «سی» آمده بود تا بار دیگر از میهنی برایمان بگویم که دوستش داریم. از میراث فرهنگی معنوی ما، از شاهنامه و دلبری‌هایش، از اسطوره‌هایی که چند دهه‌است نامشان را در فیلم‌ها و سریال‌هایمان به قاچاقچی‌ها و لارائل و اوباش بخشیده‌ایم و نسل امروز دیگر رستم و سهراب و هوشنگ و اسفندیار را قهرمانان و پهلوانان اساطیری نمی‌دانند. «سی» آمده بود که دوباره از «ایران» برایمان بگوید و غبار بی‌خردی و خودنشناسی‌مان را از تن‌مان بتکاند.

و در این میان سهم من هم از «ایران» سرودن بود. بیش از یک ماه با شاعرانه‌اش را بگویم «سی» روز عرق‌ریزان با تب آهنگ‌هایی که سهراب شوریده‌سر می‌نوشت و زمزمه‌های روح‌نواز همایون عزیز. متن‌های مختلفی مشق کردم. هر کدام از یک ایران، ایرانی با رنگ و بوی تاریخ سازانش، آنها که مرزها را درنوردیدند و ایران بزرگ سوادشان بود. ایرانی زخم‌خورده و عاصی از چنگیزها و اقوام سستیزه‌جوی عربان که جز خون ریختن و غارت و ویرانی در اندیشه‌شان ارزشی نبود. ایرانی که امید و بدر هویت ماست. ایرانی که خون است در رگ‌هایمان. ایرانی که پرچمش کفن و خاکش سرمه چشمان‌مان است. ایرانی که آرزوی همه ماست که سهمش آبادی، آزادی و لیخند و شادی باشد و ایرانی که از من است، دار و ندار فرزندی است که مهر مادرش تنها دارایی و همسفرش هست، هر جای دنیا که باشد.

با فروتنی تمام و نگاهی آرزومند به قله دوری چون سرود ملی «ای ایران»، سرودن از «ایران من» سخت‌ترین و شیرین‌ترین کار زندگی‌ام بود. چنان که پیش‌تر گفتم پس از «سی» روز عرق‌ریزان و سرودن چندین و چند شعر در اوزان و مفاهیم مختلف، با نگاه موشکافانه سهراب پورناظری و افق دید امیدوارانه همایون شجریان، قطعه «ایران من» نوشته شد. نوشته شد تا از وطنی بگوید که دوستش داریم. همان که همخوانی شبانه چند هزار نفری شد که هر شب برای اولین بار آن را می‌شنیدند و در انتهای اثر، شعری را که از سر نبودند، با جان می‌خواندند که «ای در گاتم خون وطن / ای پرچمت ما را کفن / دور از تو بادا اهرمن / ایران من ایران من».

این شد که دانستیم تک‌تکشان در پی واژه‌هایی بوده‌اند که سرودی کنند از جان و از عشق‌شان به وطن، ایران، بگویند.

گروه آانسامبل شهرزاد، تینا جامه‌گری، نگار نوراد، پگاه حسینی و نیلوفر سهیلی



## تجربه بی‌نظیر ۱۲۰ هزار تماشاگر

پیگیری می‌کردند، می‌دانستیم با یک اجرای بزرگ روبه‌رو هستیم. قرار بر این شد تا شهرزاد در اجرای قطعه «ایر می‌یارد» حضور داشته باشد. این قطعه برای ارکستر بزرگ تنظیم شده و چون اجرای آن با تعداد زیاد نوازنده در این برنامه امکان‌پذیر نبود، به همین دلیل صدای ارکستر زیر صدای کوارتت پخش می‌شود تا موسیقی حجم بیشتری داشته باشد. علاوه بر این تکنواز و بونسل در قطعه «آهای خبردار» به صحنه می‌رود. به هر حال کنسرت نمایش سی که از تیمی حرفه‌ای شامل خواننده، آهنگساز، کارگردان، نویسنده و بازیگرانی نامدار و مدیریتی کم‌نظیر بهره گرفته است، تجربه‌ای ارزشمند برای آانسامبل شهرزاد به شمار می‌رود. بخش‌های فنی اثر از نور و ویدئو مپینگ تا صدابرداری درخشان، یکی دیگر از نقاط قوت اثر است که همه و همه دست در دست هم با بیشترین همدلی این برنامه را به ثمر نشانند.

باری اجرای سی شب «سی» برای ۱۲۰ هزار تماشاگر برای هر هنرمندی در هر جای جهان تجربه‌ای بی‌نظیر است.

تینا جامه‌گری  
نگار نوراد  
نوازنده

اکتون بیش از پنج سال است که از فعالیت‌های آانسامبل «شهرزاد» می‌گذرد. ما در این سال‌ها کنسرت‌های متعددی برگزار کرده، چند آلبوم به آهنگسازی دکتر محمدسعید شریفیان، شهرزاد روحانی و ... منتشر کرده‌ایم و هنرمندانی چون یگور شوتسوف و یان مرکر بر روی صحنه رفته‌ایم. چندی قبل برای اجرا در کنسرت نمایش «سی» نیز دعوت به همکاری شدیم.

ما دو نفر پیش از این در کنسرت‌ها و تورهای داخل و خارج از ایران «چرا رفتی» و «هوای گریه» تجربه همکاری با همایون شجریان و برادران پورناظری را داشتیم. همایون شجریان، هنرمند بزرگ، محبوب و ایده‌آل‌گرای است که همکاری با او همیشه لذت‌بخش است. سهراب پورناظری نیز آهنگسازی خلاق و نوازنده‌ای چیره‌دست است و بدون شک کنار این دو هنرمند قرار گرفتن برای آانسامبل شهرزاد یک افتخار است.

چند روزی مانده به آغاز کنسرت نمایش سی، سهراب پورناظری ما را به همکاری دعوت کرد. ما نیز مانند تمام کسانی که اخبار این پروژه را



همایون شجریان  
خواننده

هدف اصلی برای پروژه «سی» این بود که بتوانیم نسل‌های مختلف را در این کنسرت کنار هم بنشانیم و کاری را خلق کنیم که از چند نسل بتوانیم شنونده و بیننده داشته باشیم و پیام شاهنامه را به آنها برسانیم. فرم‌های موسیقی و فرم‌های نمایشی همه در این راستا بودند که افراد مختلف با سنین و علائق مختلف لذت ببرند.



سحر دولتشاهی  
بازیگر

در شروع پیشنهاد این پروژه برای من هم کمی دور بود و خودم را به داستان‌های شاهنامه نزدیک احساس نمی‌کردم اما حالا دغدغه‌مندتر کنار گروه هستیم. تاکنون پروسه تمرین‌ها تحلیلی بوده است و برای ما باعث افتخار است که در این پروژه حضور داریم.



نغمه نمینی  
نویسنده

پروژه «سی» می‌تواند فضایی برای متصل شدن موسیقی و تئاتر در کنار یکدیگر باشد، ما نگارش پروژه را از داستان زال و رودابه آغاز کردیم و کار را با داستان‌های دیگر ادامه دادیم تا امروز که متن نمایش داغ داغ به مرحله نهایی رسیده است.